



بخش دوم
عبدالله زنجانی

داستان تحریف

نقد کتاب مقدس به چیز جدیدی نیست و در واقع می‌شه گفت که قدمتی در حدود ده قرن دارد؛ البته تاریخ نقادی کتاب مقدس عبری به عنوان به رشته تحصیلی تقریباً به اوایل قرن هیجده بر می‌گردد. به این دوره عصر روشنگری می‌گویند؛ یعنی دوره‌ای که مردم غرب فهمیدن خیلی از مسایل مطرح شده توی تورات و انجیل می‌تونه درست نباشه. در واقع روشن شد که خیلی از حرفای پاپ‌ها یا کاهنا خودساخته است و ربطی به دیانت یهودی و مسیحی نداره. از این موقع بود که مردم سعی کردن خودشون به سراغ کتاب مقدس (عهد قدیم و جدید) برن و به واقعیت، اون طوری که هست نه اون طوری که حاخام‌ها^۱ یا کنیشتا می‌گن دست پیدا کنن. به همین خاطر آروم آروم شیوه‌ای پیدا شد که به اون نقادی کتاب مقدس می‌گن. دانشمندا بعد از بررسی آزادانه کتاب مقدس فهمیدن که این کتاب نمی‌تونه همش از طرف خدا پاشه و بدون شک تحریفات یا جعلیاتی توی این کتاب واقع شده.

اون چیزی که خیلی برای ما جالبه اینکه اولین ناقدان کتاب مقدس کسانی بودن که بیش از همه به وحیانی بودن اون ایمان داشتن، ولی وقتی بدون پیش‌داوری به سراغش رفتن؛ فهمیدن که اگرچه اصل وجود این کتاب و وحیانی بودنش قابل قبوله ولی دچار تحریفات شده که اون رو از حجیت میندازه و دیگه نمی‌شه به اون استدلال کرد.

ابراهیم ابن‌عزرا^۲ یکی از اولین کسانی هستش که کتاب مقدس یهودی رو نقد کرد. اون با توجه به شواهدی از داخل کتاب مقدس، معتقد بود که ممکن نیست نویسنده تورات فعلی خود موسی(ع) باشه؛ البته اون از کشته شدن به دست یهودی‌ها می‌ترسید و به همین خاطر تمام نوشته‌های خودش رو به رمز درآورد. ما چند مورد از این‌ها رو که «باروخ اسپینوزا»^۳ رمزگشایی کرده و هم‌چنین اضافاتی رو که ذکر کرده براتون بیان می‌کنیم:

۱. توی انتهای سفر تثنیه آخرین کتاب تورات اومده که موسی مرد و قوم اون سی روز برایش عزاداری کردن. بنی‌اسرائیل اون رو توی جایی دفن کردن که تا به امروز برای کسی آشکار نیست. حالا قضاوت با شماست که بگین واقعاً می‌شه این متن نوشته خود موسی باشه؟ چطور ممکنه یه آدم که از دنیا رفته خاطرات مرگ خودش رو نوشته باشه؟

۲. اسم برخی از مکان‌ها، توی کتاب مقدس و تو زمان خاصی مورد اشاره قرار گرفتن که سال‌ها بعد یه چنین اسمی رو پیدا کردن. توی سفر پیدایش گفته شده که ابراهیم دشمنان خودش رو را تا "دان" تعقیب کرد. اما جالب اینه که چندین دهه بعد وقتی که اسباط (بچه‌های) یعقوب به شهر یکی از دشمنانشون حمله می‌کنن و اون‌رو تصرف می‌کنن اسم اون‌جا رو دان می‌دارن؛ پس نمی‌تونه انتساب این اسم از ناحیه ابراهیم توی اون تاریخ درست باشه و به بیان

دیگه وحیانی و صحیح بودن بخش‌هایی از این کتاب مورد تردید قرار می‌گیره.

فرض کنیم که ما الان توی سال ۵۶ شمسی هستیم حالا یه نفر به شما بگه که «آقا میرزا مشیر» کاتب دربار از خیابان شهید رجایی به خیابان جمهوری اسلامی جهت بازدید از هیئت بازرسان آژانس انرژی اتمی رفت. شما با یه کم توجه می‌تونین بفهمین که این ماجرا رو یه نفری نقل می‌کنه که سال‌ها بعد از میرزا مشیر کاتب زندگی می‌کرده و اون خیابون‌ها اصلاً توی عصر میرزا وجود نداشتن چون هنوز انقلابی نشده بود و جنگی در نگرفته بود که خیابون‌ها به این اسمی ملقب بشن.

۳. بعضی از ماجراها توی کتاب مقدس و در بخش مربوط به موسی یعنی تورات یا همون اسفار خمسسه ذکر شدن که سال‌ها بعد از اون(مرگ موسی(ع)) اتفاق افتادن. به عنوان مثال توی سفر خروج گفته می‌شه که بنی‌اسرائیل از یه نوع غذای الهی به نام «من» تغذیه می‌کردن و این روند تا ورود قوم به ارض موعود ادامه داشت، اما همه ما می‌دونیم که ورود قوم به ارض موعود و قطع شدن «من» بعد از مرگ موسی بوده.

و این طور ماجراها نمی‌تونن از باب پیش‌گویی باشن چون گفته نمی‌شه که چنین اتفاقی خواهد افتاد بلکه داره از گذشته نقل می‌کنه. فرض کنیم یه نفر به مخاطبش توی سال ۱۳۸۶ بگه که فلان واقعه توی ۱۹۰۰ اتفاق افتاده. این حرف چقدر نامعقول به نظر می‌رسه؟!

۴. توی سفر تثنیه که آخرین سخنرانی موسی است و قرن‌ها قبل از داوود بوده، داستان عوج، پادشاه شهر باشان ذکر می‌شه و این در حالی که توی جای دیگه‌ای از کتاب مقدس تصریح می‌شه اولین کسی که به این سرزمین پا گذاشت داوود بود و اون نخستین کسیه که تخت آهنی پادشاه رو کشف کرده.

مجموع این تناقض‌ها به روشنی نشون می‌ده که نمی‌شه همه این کتاب‌ها نوشته موسی باشه و بدون تردید سال‌ها بعد به رشته تحریر در اومده.

اسم این طور تغییرات رو می‌شه تحریف گذاشت. یعنی اینکه توی اصل وجود این کتاب و نازل شدنش از طرف خدا شکی نیست ولی از دست‌کاری مردم و بعضی از حکام ان هم به خاطر سوء استفاده از قدرت و ثروت در امان نبوده.

پی‌نوشت‌ها

۱. رسالت، نورانی.
۲. سلسله دانشمندی یهودی کتاب مقدس عبری.
۳. ۱۱۶۴-۱۸۹۱ م.
۴. اسپینوزا رساله‌ای در الهیات و سیاست، ۱۶۷۰.
۵. جزوه درسی استاد سلیمان.

جعل یا نفی